

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

عرض کردیم بین اشکال دومی که مرحوم شیخ در طهارات ثلاث عنوان کرده‌اند و اشکال دومی که در عبارت مرحوم آخوند در کفایه آمده است فرق است. از این جهت مرحوم نائینی(ره) و همچنین مرحوم محقق اصفهانی(ره) در حاشیه نه‌ایه الدراية فرموده‌اند اساساً در ما نحن فيه سه اشکال وجود دارد.

یک اشکال این است که با اینکه بر موافقت امر غیره ثواب مترتب نیست، چرا بر موافقت با طهارات ثلاث ثواب مترتب است.

اشکال دوم؛ امر غیره عنوان توصلی دارد و تمام اوامر غیره عنوان توصلی دارند، در حالی که طهارات ثلاث باید به قصد عبادیت انجام شود. وضو، غسل و تیمم را باید با قصد عبادیت انجام داد.

اشکال سوم همان اشکال دور است که در بحث گذشته آن را ذکر کردیم.

کلام محقق نائینی(ره) در بیان دور

اینجا نکته‌ای در کلام مرحوم نائینی(فوائد الاصول: 1: 226 تا 231) وجود دارد. ایشان وقتی اشکال را از جانب مرحوم شیخ نقل می‌کند که مرحوم شیخ می‌فرماید در باب طهارات ثلاث اشکال دور وجود دارد، فرموده مرحوم شیخ در مفهوم دور، تبعید مسافت کرده است. یعنی بیانی که شیخ برای دور ذکر کرده بیانی است که قیود و عناوین زائدی در آن است. آنگاه بیان دیگری را مرحوم نائینی برای دور عنوان کرده‌اند. بیان شیخ این بود که در طهارات ثلاث، امر غیره متعلق است به این طهارات ثلاث. وضو واجب غیره، تیمم و غسل واجب غیره.

بعد مرحوم شیخ فرمود ذات وضو، تیمم و غسل در عالم خارج مطلوبیت ندارد، مطلق الوجود آنها مطلوبیت ندارد. باید طهارات ثلاث علی وجه العبادیه اتیان شود. لذا مقدمیت وضو متوقف است بر اینکه در عالم خارج علی نحو العبادیه اتیان شود. و اگر بخواهد علی نحو العبادیه اتیان شود، عبادیت نیاز به امر دارد و فرض ما این است که غیر از امر غیره در ما نحن فيه، امر دیگری نداریم.

پس امر غیره متوقف بر مقدمیت است. مقدمیت متوقف است بر اینکه طهارات ثلاث علی شود، اتیان علی وجه العبادیه هم متوقف بر امر غیره است. عبادیت، امر می‌خواهد و ما هم غیر از امر غیره در ما نحنوجه العبادیه اتیان فيه امر دیگری نداریم.

لذا نتیجه این می‌شود امر غیر متوقف است بر اتیان علی وجه العبادیه، اتیان علی وجه العبادیه هم متوقف بر امر غیر است.

مرحوم نائینی فرموده است مرحوم شیخ دور را اینچنین بیان کرده است و مرجع بیان شیخ به این است که دور مربوط به مقام اتیان و مقام امتثال است. در مقام اتیان خارجی و امتثال، دور لازم می‌آید. بعد فرموده نیازی به این بیان نیست، ما دور را در همان مقام جعل تصویر و تقریر می‌کنیم.

در مقام جعل می‌گوییم امر غیر بر عبادیت متوقف است و عبادیت هم متوقف بر امر غیر است. لکن دیگر کاری به مقام اتیان و امتثال نداریم. شبیه آنچه که در اوّل بحث تعبدی و توصلی این بحث مطرح است که آیا مولا می‌تواند قصد الامر را در متعلق امر اخذ کند یا نه؟ آیا مولا می‌تواند بگوید صلّ بقصد همین امری که متعلق به صلاة است.

یک بحث معروف و بسیار مفصلی است که ما هم به نحو مبسوط این بحث را مطرح کردیم. در آنجا اشکال معروفی که وجود دارد دور در مقام جعل است. شارع و مولا بخواهد بفرماید صلّ به قصد همین امری که الان متوجه صلاة می‌کنم، دور لازم می‌آید.

مرحوم نائینی می‌گویند نظیر همان مطلب را باید در اینجا مطرح کنیم.

اگر بگوییم در غسل، وضو و تیمم قصد قربت معتبر است و قصد قربت و عبادیت متوقف بر امر است و ما هم غیر از امر غیر امر دیگری نداریم، نتیجه این می‌شود که امر غیر متوقف بر قصد قربت و عبادیت می‌شود. هر حکمی متوقف بر متعلق خود است و قصد عبادیت هم متوقف بر امر است، لذا دور لازم می‌آید.

اگر عبارت مرحوم آقای بروجردی (ره) در کتاب نه‌ایة الاصول (تقریرات اصول ایشان) را ملاحظه کنید، ایشان در اشکال دوم می‌روند روی دور در مقام جعل و همین بیان را دارند.

فهرست اشکالات بر این مسأله

نتیجه این می‌شود، تا اینجا ما چهار اشکال در مسأله داریم؛ یکی مسأله استحقاق ثواب، دوم توصلی بودن اوامر غیر، سوم اشکال دور به بیان شیخ، و چهارم اشکال دور به بیان مرحوم نائینی و مرحوم آقای بروجردی. یعنی در اشکال دور دو بیان وجود دارد؛ مرحوم شیخ اعظم شیخ انصاری (ره) دور را آورده‌اند روی مقام امتثال، مرحوم نائینی و مرحوم آقای بروجردی دور را روی مقام جعل برده‌اند.

آنگاه مرحوم نائینی به شیخ اشکال می‌کند که شما تبعید مسافت کرده‌اید و راه طولانی را طی کرده‌اید. برای بیان دور نیاز به این راه شما نیست.

این نکته شاید در ذهن بیاید که لقائل آن یقول که دور در مقام امتثال، متوقف بر دور در مقام جعل است. نمی‌شود در مقام امتثال دور لازم باشد، اما در مقام جعل دور لازم نباشد. گویا مرحوم شیخ می‌خواهند هر دو را بیان کنند. شیخ می‌خواهند بگویند هم دور در مقام امتثال لازم می‌آید هم در مقام جعل. بگوییم امر غیر متوقف است بر اینکه طهارات ثلاث مقدمه باشد و مقدمیت آنها متوقف است بر اتیان علی نحو العبادیه، اتیان هم متوقف بر امر غیر است. آنگاه این دور در مقام امتثال ملازم با وجود دور در مقام جعل است. یعنی در مقام جعل هم همین دور وجود دارد و شیخ هر دو را می‌خواهد بگوید.

اما از طرف دیگر ممکن است نباشد. ممکن است در مقام جعل دور لازم بیاید، اما در مقام امتثال دور لازم نیاید. مثلاً در باب امر به صلاة، هیچ کسی نمی‌گوید در مقام امتثال دور لازم می‌آید، بحث در مقام جعل است.

این اشکال معروفی که در اوّل بحث تعبدی و توصلی مطرح می‌شود و عنوان بحث این است که آیا می‌توان قصد الامر را در متعلق قرار داد یا خیر؟ آنجا دور در مقام جعل است. مولا در مقام جعل اگر بخواهد بفرماید صلّ به قصد همین امری که متعلق به صلاة است، در مقام جعل دور لازم می‌آید. اما در مقام امتثال، مکلف نماز را به قصد همین امری که مولا متوجه به صلاة کرده انجام می‌دهد. در مقام امتثال دور لازم نمی‌آید.

البته این حرف قابل قبول است. اگر قائلی این حرف را زد، اینطور بگوید هر جا دور در مقام امتثال باشد، ملازم با وجود دور در مقام جعل است، اما عکس آن نیست، ممکن است دور در مقام جعل باشد اما در مقام امتثال نباشد.

بنابراین آن دو اشکالی که در عبارت کفایه مربوط به طهارات ثلاث است، در حال تبدیل شدن به چهار اشکال است. چه بسا آن اشکال دوری که مرحوم شیخ انصاری فرموده و مرحوم نائینی به بیان دیگر فرموده، اهم اشکالات همین است که مرحوم آخوند متأسفانه در کفایه اشکال دور را بیان نکرده‌اند.

راه حل اشکال اول

بعد از اینکه این نکته روشن شد که تعداد اشکالات چقدر است. عرض کردیم اولین راه‌حلی که برای اشکال داده شده، راه‌حلی است که در کلمات شیخ به آن اشاره شده و مرحوم آخوند خراسانی هم همین راه را اختیار کرده است. مرحوم آخوند می‌فرمایند ما قائل می‌شویم به اینکه طهارات ثلاث علاوه بر امر غیری‌ای که متوجه آنها است، یک استحباب نفسی هم دارند. خود آنها بنفسه استحباب دارند.

آنگاه اگر استحباب نفسی داشتند، تقریباً تمام اشکالات حل می‌شود. اینکه بگوییم استحقاق ثواب بخاطر امر غیری نیست، بخاطر استحقاق نفسی است. اینکه گفتید امر غیری امر توصلی است و نیازی به قصد قربت ندارد، می‌گوییم بله اینجا هم قصد قربت بخاطر امر غیری نیست بخاطر امر غیری استحبابی است.

اشکال دور در فرضی است که عبادیت طهارات ثلاث متوقف بر امر غیری باشد در حالی که طبق این بیان، عبادیت طهارات ثلاث متوقف بر امر غیری نیست، بلکه عبادیت آنها از راه دیگری حاصل شده است، از راه امر نفسی استحبابی است.

آنگاه مرحوم آخوند به دنبال این عبارتی دارند که آن جواب از اشکال مقدر است.

نتیجۀ کلام مرحوم آخوند دو قسمت دارد:

1- بگوییم طهارات ثلاث استحباب نفسی دارد. 2- بعنوان جواب از اشکال مقدر مرحوم آخوند مطرح کرده و هر دو قسمت مورد بحث و مناقشه است.

اشکال اول محقق نائینی بر کلام اول مرحوم آخوند

مرحوم محقق نائینی (أجود التقريرات 1: 254) سه اشکال به قسمت اوّل کلام مرحوم آخوند دارند. هر سه اشکال در کلام مرحوم

شیخ انصاری با اضافاتی وجود دارد.

در اشکال اول می‌فرماید شما که می‌گویید طهارات ثلاث امر استحبابی نفسی دارد، ما در وضو و غسل قبول می‌کنیم. روایاتی داریم که «الوضو النور»، یا اگر کسی بعد از طهارت وضو بگیرد ده حسنه به او داده می‌شود. در بین روایات وارد شده «من أحدث ولم يتوضأ فقد جفانی»، کسی که محدث شود اما بعد از آن وضو نگیرد ظلم بر خدا کرده و این خیلی معنای عجیبی در آن وجود دارد. زمانی است که انسان می‌گوید «الوضو النور»، نورانیتی برای انسان حاصل می‌شود و چه خوب است انسان در همه حال با وضو باشد. اما این تعبیر که «من أحدث ولم يتوضأ فقد جفانی» معنای بالاتری دارد. انسانی که واقعا به مرحله عبودیت و بندگی خدا رسیده باید همیشه خود را در محضر خدا ببیند و همیشه با وضو باشد. هیچگاه نباید به خودش اجازه دهد که طهارت از او فوت شود.

پس اشکال اول این است که استحباب نفسی وضو طبق روایاتی که داریم روشن است. استحباب نفسی غسل روشن است. خود غسل بدون اینکه هیچ غایتی بر آن باشد. عنوان غسل جمعه و غسل زیارت و اینها نباشد بدون اینکه هیچ غایتی بر آن مترتب باشد خود غسل استحباب نفسی دارد. در وضو و غسل مرحوم نائینی و مرحوم شیخ در مطارج می‌فرمایند ما قبول داریم. اما در تیمم چگونه استحباب نفسی را بپذیریم؟!

لذا مرحوم نائینی در اینجا اشکال را تمام می‌کنند و می‌فرمایند این اشکال اول به مرحوم آخوند وارد است که اگر در وضو و غسل استحباب نفسی را بپذیریم در تیمم نمی‌پذیریم.

راه‌های اثبات استحباب نفسی تیمم

دیگران برای اثبات استحباب نفسی تیمم از سه راه وارد شده‌اند. ما با تتبع این سه راه را پیدا کرده‌ایم اما بطور مجتمع در جایی ذکر نشده است.

راه اول؛ راه محقق عراقی و محقق خوئی

یک راه که در کلام مرحوم محقق عراقی است و مرحوم خوئی هم از مرحوم عراقی تبعیت کرده است این است که روایتی داریم «التراب أحد الطهورين»؛ تراب یکی از طهورین است. همانطور که «ماء أحد الطهورين»، «التراب أحد الطهورين» داریم.

این روایت را ضمیمه کنیم به اطلاقاتی که در باب طهارت است. یعنی ادله‌ای داریم که به صورت مطلق، طهور بودن را مستحب می‌داند. «إِنَّ اللَّهَ حَبِيبُ التَّوَّابِينَ وَ حَبِيبُ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ این اطلاق دارد، خداوند متطهر را دوست دارد.

یا در روایتی که داریم وضو بعد طهارت دارای ده حسنه است، و بعد می‌گوید «فتطهروا»، امر به طهارت می‌کند بنحو مطلق. پس «التراب أحد الطهورين» را ضمیمه کنیم به این روایات مطلقه، از آن استفاده می‌شود که تیمم هم استحباب نفسی دارد، نه برای نماز. می‌گویند قدر متیقن آن در جایی است که آب باشد و فاقد الماء باشد. خود این هم استحباب نفسی دارد.

راه دوم: روایات

راه دوم روایاتی است که از آن روایات می‌شود استحباب نفسی تیمم را استفاده کرد.

در وسائل الشیعه، باب نهم ابواب وضو، حدیث دوم، روایتی است مرسله صدوق است. روایت این است که: «مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ»؛ کسی که متطهر شود بعد برود در فراش خود برای خوابیدن «بَاتَ وَفِرَاشُهُ كَمَسْجِدِهِ» فراش او مانند مسجد و محل نماز او می شود «فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى وَضُوءٍ فَتَيَمَّمْ»؛ اگر یادش افتاد که وضو نگرفته تیمم کند.

این کشف از این می کند که تیمم استحباب نفسی دارد.

اشکال مرحوم شیخ

نکته ای که اینجا وجود دارد این است که مرحوم شیخ در کتاب مطارح فرموده درست است از بعضی از روایات استفاده می شود که تیمم، استحباب نفسی دارد، لکن اشکال آن این است اصحاب از این روایات اعراض کرده اند و فقهاء بر طبق این روایات فتوای نداده اند که تیمم استحباب نفسی دارد. این در کلمات نائینی نیامده و فقط در کلمات مرحوم شیخ است.

پاسخ از اشکال شیخ

این فرمایش مرحوم شیخ تام نیست برای اینکه اصلاً این مسأله که آیا تیمم استحباب نفسی دارد یا نه، مورد تعرض واقع نشده است. غالباً در این زمینه بحث نکرده اند. در مباحث فقهی، وضو چون مورد ابتلاء بوده، متعرض آن شده اند، اما نسبت به تیمم بحث نکرده اند که استحباب نفسی دارد یا ندارد و اگر بحث نکرده باشند دیگر مجالی باقی نمی ماند برای این که بگوییم فقهاء از این روایت اعراض کرده اند. اعراض زمانی است که مورد تعرض و بحث واقع شود، اگر بر طبق آن فتوای ندادند آنگاه بگوییم اعراض مشهور قابلیت دارد و به حجیت روایات ضربه وارد می کند.

نکته ای که وجود دارد این است که بگوییم إعراض فقهاء محرز نیست، یعنی باید مرحوم شیخ انصاری اعراض فقهاء را احراز کند، و اعراض فقهاء در اینجا محرز نیست.

راه سوم: إجماع

راه سوم را از طرق اثبات استحباب نفسی تیمم؛ اجماع است. گفته اند اجماع داریم که باید طهارات ثلاث را بنحو عبادی انجام داد و از طرف دیگر غیر از امر غیری نداریم. امر غیری نمی تواند منشأ عبادیت باشد، پس خود تیمم، وضو باید امر نفسی داشته باشند.

این بیان اختصاص به تیمم هم ندارد و در وضو و غسل هم می آید. می گوید برای اثبات نفسی بودن وضو، غسل و تیمم از راه اجماع وارد می شویم.

مگر اجماع نداریم که اینها را باید بنحو عبادی انجام دهیم؟ مگر اجماع نداریم که امر غیری عبادی نیست؟ این دو را ضمیمه کنیم، نتیجه این می شود که پس لازم است طهارات ثلاث یک امر استحبابی نفسی داشته باشد.

از راه اجماع کشف می کنیم که طهارات ثلاث دارای امر استحبابی نفسی است. این هم از اجماعی که در اینجا بعضی ها ادعا کرده اند.

با تمام این سه راهی که ذکر شد، اثبات اینکه تیمم استحباب نفسی دارد مشکل است. ولو اینکه از جهت قاعده، این روایات را داریم، یا راه اوّل یا ظهور روایات یا راه سوّم که مسأله اجماع است، اما انصاف این است که اگر بخواهیم اثبات کنیم که تیمم امر نفسی استحبابی دارد مانند وضو و غسل، مقداری مشکل است. نمی‌توانیم بگوییم یقیناً ندارد، چون بالجمله دلیلیت دارد، اما التزام به این مطلب مشکل است.

شاهد آن هم این است که بالاخره هیچ یک از فقهاء متعرض این مطلب نشده‌اند. در باب وضو متعرض شده‌اند، وضو را همه گفته‌اند استحباب نفسی دارد، غسل را هم متعرض شده‌اند، چرا در تیمم متعرض نشده‌اند؟!

یمكن که برای آنها روشن بوده که تیمم استحباب نفسی ندارد. ولی این را بعنوان احتمال می‌گوییم. نهایت آنچه به آن می‌رسیم این است که التزام به استحباب نفسی مشکل است، و این اشکال اوّل، فی‌الجمله تثبیت می‌شود.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين